

برای رسیدن به اهداف همانندیک کوه نور در حرفه‌ای عمل کنید

انتخاب‌های شما اثری به سزا داشته باشد. شاید قلعه‌ای که برای خود انتخاب کرده‌اید، برای این مرحله کمی زود باشد. باید از قلعه‌ای با ارتفاع کمتر شروع کنید. فتح قلعه‌هایی با ارتفاع زیاد، نیازمند تجربه‌ی فتح قلعه‌هایی با ارتفاع کمتر به منظور کسب تجربه می‌باشد و البته این منافاتی با این که شما رؤیای فتح قلعه‌ای مرتفع‌تر را داشته باشید، ندارد.

معیارهای خود را بالا برده و فکرهای بزرگ در سر بپرورانید ولی با اتکاء به خداوند، از قدم‌ها و کارهای کوچک شروع کنید. در واقع بزرگ‌ترین کارها در دنیا، با قدم‌های کوچک ولی پیوسته شروع شده‌اند پس شما هم مانند این کوه‌نورد، با تحلیل دقیق شرایط، ابتدا ببینید در کجا قرار دارید و به کجا و چرا می‌خواهید بروید؟ برای رفتن چه دارید و چه باید کسب کنید؟ اگر تا به حال به اهداف از قبل تعیین شده دست نیافته‌اید، ضمن بررسی علت آن، به این نکته توجه داشته باشید که در عوض، تجربه‌های ارزشمندی برای آینده به دست آورده‌اید و حال با توجه به شرایط خود و محیط پیرامون‌تان، دوباره شروع به طراحی هدف‌های خود کنید. انتهای هدف‌های مالی و شغلی شما کجاست و سرانجام به کجا خواهد رسید؟

ترسیم اهداف مالی و شغلی نهایی و بلندمدت، نقش همان قلعه را برای شما دارد و هر چه ضمن وضوح و جذابیت و امکان‌پذیری بیش‌تر از تعیین محدوده‌ی زمانی مشخص‌تری برخوردار باشد، برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن‌ها، راحت‌تر صورت می‌پذیرد. هر شخصی می‌تواند اهداف خاص خود را داشته باشد. برای پیدا کردن این اهداف، می‌توانید از جنبه‌ی معنوی وجودتان کمک بگیرید چراکه بهتر است آن‌ها با روح حاکم بر شخصیت شما هماهنگ‌تر باشند و در این زمینه می‌توانید در یک خلوت زیبا، بر روی عمق وجودتان کاوش کرده و با منابع سرشار الهی، به صورت الهام درونی تماس حاصل نمایید. بعضی از کارشناسان خبره و نزدیکان نیز می‌توانند در این زمینه کمک شایانی به شما کنند. در واقع شما با کمک گرفتن از علت پیدایش فلسفه‌ی وجودی‌تان، سعی می‌کنید اهدافی را انتخاب نمایید که ضمن هماهنگی با شما، باعث رضایت خاطر درون‌تان نیز بشوند.



نادر غلامی
کارشناس ارشد مهندسی صنایع
مدرس کارآفرینی

برای طراحی و تدوین یک برنامه‌ی جامع مالی و شغلی برای سال‌های آینده، ابتدا باید وضع فعلی و جایگاهی که در آن قرار داریم را شناسایی نموده و سپس به دنبال پیدا کردن موقعیت‌های بهتر باشیم و به عبارت دیگر، ارزیابی کنیم که نسبت به پیرامون خود و احتمالاً اهداف از پیش طراحی شده‌ی قبلی، از چه موقعیتی برخوردار هستیم. آیا اهدافی را از قبل طراحی کرده‌ایم؟ اگر جواب ما مثبت است، آیا موقعیت خود را نسبت به محیط پیرامون‌مان، درست سنجیده‌ایم؟ برای روشن شدن مسأله، از یک مثال کمک می‌گیریم. فرض کنید شما مدتی است در حال بالا رفتن از یک کوه برای فتح قلعه‌ی آن می‌باشید که ناگهان مسیر صعود را گم کرده و سرگردان به دنبال راه‌حل می‌گردید. در این‌جا برای برداشتن گام‌های بعدی، باید از دو منظر، موقعیت فعلی خود را تجزیه و تحلیل کنید. در منظر اول، شرایط خود را از نظر میزان انگیزه، اعتمادبه‌نفس، انرژی جسمی و ذهنی و روحی، آذوقه و تجهیزات کوه‌نوردی بررسی کنید و در منظر دوم، نسبت به شرایط محیطی، از نظر وضعیت آب‌وهوایی، امکانات اسکان موقت، تهدیدها و فرصت‌های مرتبط با جانداران و غیرجانداران آن منطقه‌ی جغرافیایی، ارزیابی‌های لازم را انجام دهید. اگر شما به‌طور گروهی به قلعه صعود می‌کنید، باید از هر دو منظر درونی و برونی، کل گروه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید. بررسی وظایف اعضای گروه و تطبیق با توانایی‌های آنان و نیز نقش رهبری یا مدیریت در هماهنگی بین اعضا، از مهم‌ترین اجزای این تجزیه و تحلیل می‌باشد.

تجربیات احتمالی گذشته، به‌طور عمده در اعتمادبه‌نفس شما نقش مهمی دارد. آینده‌نگری و پیش‌بینی متغیرهای موجود در آن و تجزیه و تحلیل در منظر درونی و برونی، شما را در مرحله‌ی اکتشاف گزینه‌های متعدد که هر کدام، اهداف و برنامه‌های خاص خود را دارند، قرار خواهد داد. به‌عنوان مثال اگر به یقین رسیدید که یکی از مسیرهای پیش‌روی‌تان به قلعه خواهد رسید و در این مسیر به‌زودی برف و کولاک خواهد آمد و همچنین تجربه و تجهیزات کافی را برای مقابله با آن ندارید، در انتخاب این مسیر، تردید خواهید کرد و اگر مسیر مناسب‌تری پیدا نکنید، راه بازگشت یا اقامت موقت را انتخاب خواهید کرد یا اگر آذوقه‌ی کافی نداشته باشید، به احتمال زیاد مسیری را که بتوان در آن غذا تهیه کرد، بر خواهد گزید. آسیب‌دیدگی و نداشتن روحیه‌ی کافی، می‌تواند در

